



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی دری

فارسي دري

حُكْمُ السَّحْرِ وَالْكِهَانَةِ وَمَا يَتَعَلَّقُ بِهَا

حکم سحر و فالبینی و هر آنچه بر آنها تعلق می گیرد



نویسنده جناب شیخ
عبد العزیز بن عبد الله بن باز

حُكْمُ السَّحْرِ وَالْكِهَانَةِ
وَمَا يَتَعَلَّقُ بِهَا

حکم سحر و فالبینی و هر آنچه بر آنہا تعلق می گیرد

لِسَمَاحَةِ الشَّيْخِ الْعَلَّامَةِ
عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَازٍ
رَحِمَهُ اللَّهُ

نویسنده جناب شیخ
عبد العزیز بن عبد اللہ بن باز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالة نهم:

حکم سحر و فالبینی و هر آنچه بر آنها تعلق می گیرد^۱

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، أما بعد:

با توجه به افزایش فزاینده جادوگران در این اواخر که ادعای طبابت دارند و از طریق جادو یا فال بینی درمان می کنند، و گسترش آنان در برخی از کشورها، و بهره گیری آنها از افراد ساده لوح که اکثراً نادان هستند؛ من از باب نصیحت برای الله متعال و بندگانش لازم دانستم تا آنچه را که در آن برای اسلام و مسلمانان خطر بزرگ پنداشته می شود بیان نمایم؛ زیرا در آن دلبستگی به غیر الله، و تخطی از فرمان و دستور وی و رسولش (صلی الله علیه وسلم) می باشد.

پس من با طلب کمک از الله متعال می گویم: تداوی کردن به اتفاق همه جایز است، و مسلمان می تواند نزد طبیب امراض داخله، جراحی، اعصاب یا مانند آنان مراجعه کند؛ تا اینکه بیماری وی را تشخیص و با داروهای مناسب که از لحاظ شرعی مباح و در علم طبابت پذیرفته باشد معالجه نمایند؛ زیرا این همه از جمله موارد استفاده اسباب عادی می باشد و منافاتی با توکل بر الله متعال ندارد، و الله - سبحانه و تعالی - چون بیماری را نازل نموده است شفای آن را نیز نازل فرموده است؛ کسانی که آن را دانستند آن را می دانند، و کسانی که از آن غافل بودند آن را نمی دانند، اما او - سبحانه و تعالی - شفای بندگان را در

^۱ این وصیت در کتابچه ای به شماره ۱۷ از طرف ریاست عمومی ادارات تحقیقات علمی، فتوا، دعوت

و ارشاد در سال ۱۴۰۲ هـ به نشر رسیده است.

آنچه که آنرا حرام گردانیده است قرار نداده است.

پس برای بیمار جایز نیست که نزد فالبینان که ادعای علم غیب می کنند برود تا درباره بیماری خود از آنها اطلاع حاصل کند، چنانچه جایز نیست به آنچه به او می گویند آنها را باور کند، زیرا آنان از روی گمان و بدون دلیل سخن می گویند، و یا جنیات را احضار می کنند که برای آنچه می خواهند از آنان کمک بطلبند، و حکم این گونه افراد اگر ادعای علم غیب داشته باشند، کفر و گمراهی است.

امام مسلم رحمه الله در صحیح خویش روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «کسی که نزد فالبینی برود و از او چیزی پرسد، چهل روز نمازش قبول نمی شود».

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر که نزد کاهنی برود و آنچه را می گوید تصدیق کند، همانا بر آنچه بر محمد ﷺ نازل شده کافر گردیده است». روایت ابو داود و اهل سنن اربعه آن را نقل کرده اند و حاکم آن را با این لفظ از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- صحیح دانسته است: «هر که نزد عراف و یا کاهن برود و آنچه را می گوید تصدیق کند، همانا بر آنچه بر محمد ﷺ نازل شده، کافر گردیده است».

و از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت است گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که فال بگیرد یا برایش فالگیری شود، یا پیشگویی کند، یا برای او پیشگویی شود، یا جادوگری کند یا برایش جادوگری شود از ما نیست؛ و هر کسی نزد کاهنی برود و سخن او را تصدیق کند، همانا به آنچه که بر محمد -صلی الله علیه وسلم- نازل شده، کافر شده است» این حدیث را امام بزاز با اسناد جید روایت کرده است.

در این احادیث شریف نهی از رفتن به عرفان، فال بینان و ساحران و امثال آنان، و پرسیدن از آنان و تصدیق آنان، و هشدار در این مورد می باشد.

پس جایز نیست که فریب راستگویی آنان را در برخی موارد خورد، و نه این که مردم زیاد نزد آنان مراجعه می کنند؛ زیرا آنان جاهلان اند و مردم نباید فریب آنان را بخورند؛ چون پیامبر صلی الله علیه وسلم بنا بر منکر و خطر بزرگ و عواقب ناگواری که آن در پی دارد، و همچنان به دلیل اینکه آنان دروغگویان و فاجران هستند از رفتن نزد آنان و پرسیدن از آنان و تصدیق شان منع نموده است،

همچنین در این احادیث دلیل بر کفر فالبین و جادوگر وجود دارد، زیرا آنها مدعی علم غیب هستند و آن کفر است، و آنان به اهداف خویش نمی رسند مگر اینکه به خدمت و عبادت جن بغیر از الله متعال بپردازند، و آن کفر و شرک با الله متعال می باشد، و تصدیق کننده ادعاهای آنان در رابطه به علم غیب همانند ایشان می باشد، و هر که به این امور رو آورد و این اعمال را انجام داد رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از وی بی زار می باشد.

چنانچه برای مسلمان جایز نیست برای مداوا به آنچه که آنان مدعی می شوند تسلیم شود، از قبیل بیهوش کردن آنها توسط طلسم ها یا ریختن سرب و خرافه های دیگر که انجام می دهند، زیرا اینها از جمله کارهای فالبینی و فریب دادن مردم است، و هر که با این کار راضی باشد آنان را در باطل و کفرشان یاری کرده است.

و همچنین جایز نیست که هیچ یک از مسلمانان نزد آنان برود و از آنان بپرسد که پسر یا خویشاوندش با چه کسی ازدواج می کند، و یا بین زن و شوهر و خانواده هایشان از محبت و وفاداری، یا دشمنی و

جدایی و مانند آن چه اتفاق رخ خواهد دهد؛ زیرا؛ این موارد غیبی است که جز الله متعال کسی دیگر آن را نمی داند.

بر حاکمان و اهل حسبه و دیگران که قدرت و اختیار دارند، واجب است که رفتن به فالبینان و عرافان و مانند آنان را منع کنند، و کسانی را که در بازارها و جاهای دیگر این نوع کارها را انجام می دهند بشکل جدی نکوهش و منع نمایند، و نیز کسانی را که نزد آنان مراجعه می کنند منع نمایند،

و همچنان سحر یکی از کارهای حرامیست که منجر به کفر می گردد؛ چنانچه الله متعال در مورد دو فرشته فرموده است:

(...وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ)

ترجمه: (و این دو هیچ کسی را چیزی نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما وسیله آزمایش شما هستیم، پس کافر مشو. و مردم از آنان چیزی می آموختند که با آن بین مرد و همسرش جدایی می افکندند و آنان به کسی زبانی نمی رساندند مگر به اذن الله و چیزی را می آموختند که به آنها زیان می رساند و به آنها سودی نمی رساند. و به خوبی می دانستند که هرکس خریدار آن باشد در آخرت بهره ندارد، و چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر میدانستند) [البقرة: ۱۰۲].

این آیات کریمه دلالت دارد بر اینکه سحر کفر است و جادوگران انسان را از همسرش جدا می کنند. همچنین بیانگر این است که سحر

به خودی خود تأثیری بر منفعت و ضرر ندارد، بلکه به خواست و اراده‌گونی و قدری الله متعال تأثیر می‌گذارد، زیرا الله سبحانه و تعالی آفریننده‌ی خیر و شر است.

همچنین آیه کریمه بر این اشاره می‌کند کسانی که سحر می‌آموزند جز آنچه را که به آنها ضرر می‌رساند و سودی برایشان نمی‌رسد چیزی دیگر نمی‌آموزند، و این که نزد الله متعال هیچ حظ و نصیب ندارند و این هشدار بزرگی است که بر شدت زیان آنان در دنیا و آخرت دلالت می‌کند، و اینکه خود را به کمترین قیمت فروختند، و به همین دلیل الله متعال در این قول خویش آنان را نکوهش فرمودند:

﴿...وَلَيْتَسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

ترجمه: (و چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر میدانستند).
[البقرة: ۱۰۲]، و اینجا الشراء بمعنی بیع و فروختن است.

و هر آئینه ضرر بزرگ، و مصیبت توسط این افتراکنندگان شدید گردید؛ کسانی که این علوم را از مشرکین به میراث برده و با آن بر مردم ضعیف العقل امر را مشتبّه ساختند، پس ما از الله هستیم و به سوی او باز می‌گردیم، و الله متعال برای ما کافیهست و بهترین کفالت‌کننده است.

از الله متعال از شر ساحران و فالبینان و سایر جادوگران عافیت و سلامتی مسئلت می‌نماییم، و از الله سبحانه می‌خواهیم که مسلمانان را از شر آنان در امان بدارد، و حاکمان مسلمان را یاری دهد تا از آنها برحذر باشند و حکم الله متعال را در مورد آنان اجرا کنند، تا بندگان از زیان و اعمال بدشان آسوده گردند، او سخاوتمند و کریم است.
الله متعال برای بندگان خویش اموری را تشریع نموده که توسط

آن از شر سحر قبل از وقوع آن خود را حفاظت نمایند، و به آنان توضیح داده است که پس از وقوع آن چه رفتاری داشته باشند که این خود رحمت، احسان و تکمیل کردن لطف و نعمت از جانب الله متعال بالای بندگانیش می باشد.

در ذیل بیان مطالبی است که از خطر سحر قبل از وقوع آن جلوگیری می کند، و بیان مطالبی از امور مباح شرعی است که بعد از وقوع به آن معالجه صورت می گیرد، و بیان آن قرار ذیل است:

اولاً: آنچه که توسط آن از خطر سحر قبل از وقوع آن مصئون مانده می شود؛ و مهمترین و سودمندترین آن: محفوظ داشتن خود با اذکار مشروع، و مناجات و معوذات ماثور می باشد، و از آن جمله تلاوت: آیه الكرسي -و آن بزرگترین آیه در قرآن کریم است- پس از هر نماز فرضی بعد از سلام گفتن، و آن این قول او -سبحانه و تعالی- می باشد:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾﴾

ترجمه: (الله آن ذاتی است که هیچ معبودی برحق غیر از او وجود ندارد (که) همیشه زنده و پایدار است (تدبیر تمام کائنات در دست اوست)، او را نه پینکی می آید و نه خواب (یعنی از کائنات یک لحظه غافل نمی باشد) هرچه در آسمان ها و هر چه در زمین است خاص از اوست، کیست که نزد او شفاعت کند مگر به اجازه او، آنچه را که

پیش (روی) آنها است و آنچه را که پشت سر آنها است می‌داند (یعنی از احوال حاضر و آینده انسانها باخبر است) و مردم از علم او آگاهی نمی‌یابند، مگر آن مقداری که او بخواهد. کرسی او آسمانها و زمین را فرا گرفته است، و نگهداری آنها (آسمانها و زمین) او را خسته نمی‌سازد، و او عالیت و بزرگتر است) [البقرة: ۲۵۵]، و تلاوت آن نیز هنگام خواب، چنانکه در روایت صحیح از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل شده است که می‌فرمایند: «هر کس آیه کرسی را در شب بخواند الله متعال او را محافظت می‌کند و شیطان تا صبح به او نزدیک نمی‌شود».

و از آن جمله تلاوت سوره های ذیل است:

(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝)

ترجمه: ((ای پیامبر!) بگو: او الله یگانه است.

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝)

ترجمه: (ای پیامبر!) بگو: پناه می‌برم به پروردگار صبح (سپیده دم).

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْتَّائِسِ ۝)

ترجمه: (ای پیامبر!) بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم)، در عقب هر نمازهای فرض و سه بار خواندن این سه سوره در آغاز روز بعد از نماز فجر، و در آغاز شب بعد از نماز مغرب.
و از آن جمله: تلاوت دو آیه از آخر سوره بقره در اول شب می‌باشد، که آن دو آیه این فرموده الله متعال می‌باشد:

﴿عَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ عَمَّنَ بِاللَّهِ
وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾

ترجمه: (پیامبر به آنچه که به او از طرف پروردگارش نازل شد
ایمان آورد، و مؤمنان، همگی به الله و فرشتگان وی و به کتاب‌های وی
و به پیامبران وی ایمان آوردند (و گفتند که در ایمان آوردن) در میان
هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌آوریم، و گفتند: شنیدیم و اطاعت
کردیم (قبول کردیم احکام الله را)، ای پروردگار ما! ما از تو آموزش
می‌خواهیم! و بازگشت به‌سوی تو است (یعنی به روز آخرت نیز ایمان
داریم). تا پایان سوره.

چون از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند: «هر کس دو آیه اخیر
سوره بقره را در شب بخواند برای او کفایت می‌کند». معنای آن
اینست، الله متعال داناتر است: از هر بدی او را کفایت می‌کند، و از
آن جمله زیاد گفتن (اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق)، (یعنی
پناه می‌برم به کلمات کامل الله متعال از شر آنچه آفریده است) در
شب و روز، و هنگام مسکن گزین شدن در هر خانه ای در ساختمان،
صحرا، فضا یا دریا می‌باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:
«هر کس در منزلی فرود آید و بگوید: "أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ
شَرِّ مَا خَلَقَ"، یعنی پناه می‌برم به کلمات کامل الله از شر آنچه آفریده
است، تا زمانی که آن منزل را ترک نکند، هیچ چیزی به او ضرر نمی
رساند».

و از آن جمله این که مسلمان در اول روز و اول شب سه مرتبه
بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

«بنام الله که با (خواندن) نامش چیزی در زمین و (هم) در آسمان
گزند نمی‌رساند و اوست شنوا و دانا»

این به سبب تشویق بر آن است که از سوی رسول الله صلی الله
علیه وسلم می باشد، و این دلیلی است برای سلامت بودن از هر
آسیبی.

دوم: معالجه سحر بعد از وقوع آن، و آن نیز به چندین امر صورت
می گیرد:

اول: زیاد تضرع نمودن به درگاه الله متعال، و از او سبحانه طلبیدن
که ضرر را برطرف نماید، و سختی را از بین ببرد.

دوم: تلاش برای پی بردن به مکان سحر در زمین و یا کوه و غیره
اماکن؛ پس زمانی که معلوم گردید، بیرون آورده شده و از بین برده
شود، سحر باطل می شود، و این از سودمندترین علاج سحر است.

سوم: رقیه با اذکار و اوراد شرعی، که بسیار اند؛ از آن جمله:
از قول ثابت رسول الله ﷺ: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهِبِ الْبَأْسَ،
وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا بِشِفَاؤِكَ، شِفَاءٌ لَا يُعَادِرُ سَقَمًا» «بار
الها، ای پروردگار مردم، بیماری را برطرف کن، و شفا ده که تنها
شفادهنده تویی، هیچ شفایی نیست جز شفای تو، شفایی که هیچ
بیماری را باقی نگذارد» سه بار بخواند.

از آن جمله رقیه (دَم کردن) است که جبرئیل پیامبر صلی الله علیه
وسلم را به آن رقیه (دَم) نمود، و آن عبارت است از: «بِسْمِ اللَّهِ أَزْقِيكَ،
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ،
بِسْمِ اللَّهِ أَزْقِيكَ» «به نام الله تو را رقیه (دَم) می کنم از هر چیزی که به
تو اذیت و ضرر می رساند، و از شر هر نفس بد یا چشم حسود، الله

تو را شفا بدهد، به نام الله تو را رقيه (دَم) می کنم» و این را سه بار تکرار کند.

و از آن جمله - که واقعا علاج سودمند برای کسی است که به خاطر همبستر شدن با خانواده اش منع (حبس) شده باشد:- این است که هفت برگ سبز سدر را بگیرد و با سنگ یا مانند آن آنها را بکوبد، و آن را در ظرفی بگذارد، و روی آن به اندازه آب بریزد که برای غسل نمودن کفایت کند و بر آن بخواند:

آیه کرسی، و

(قُلْ يٰٓأَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾)

بگو: ای کافران. [الکافرون: ۱]، و

(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾)

(ای پیامبر!) بگو: او الله یگانه است. [الإخلاص: ۱]، و

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾)

(ای پیامبر!) بگو: پناه می برم به پروردگار صبح (سپیده دم). [الفلق: ۱]، و

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾)

(ای پیامبر!) بگو: پناه می برم به پروردگار مردم. [الناس: ۱]، و آیه های سحر که در سوره اعراف، که آن این قول سبحانه و تعالی است:

(وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١٧﴾ فَوَقَعَ

أَلْحَقْ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧٨﴾ فَعْلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿٧٩﴾

(و در عین حال) به موسی وحی کردیم که عصای خود را بینداز (چون انداخت) پس ناگهان جادوهای دروغینشان را فرو می‌برد. ۱۱۷ پس حق (معجزه موسی) به ثبوت رسید (روشن شد) و آنچه جادوگران می‌کردند، باطل شد. ۱۱۸

پس در آنجا مغلوب شدند (شکست خوردند جادوگران و اتباع فرعون)، و خوار و ذلیل برگشتند. ۱۱۹ [الأعراف: ۱۱۷-۱۱۹].
و آیه های سورة یونس، که این قول سبحانه و تعالی است:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتَأْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٨﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٠﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ أَلْحَقَ بِكَلِمَتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨١﴾﴾

و فرعون گفت: هر جادوگر دانا (و ماهر) را نزد من بیاورید.
و چون جادوگران (برای مقابله) آمدند، موسی به آنها گفت: آنچه را می‌خواهید بیفکنید، (در میدان) بیندازید.

پس چون (عصاها و ریسمان‌های خود را) انداختند، موسی گفت: آنچه را که شما آورده‌اید همه جادوست، یقیناً الله آن را به زودی باطل خواهد کرد، چون الله کار مفسدان را درست (و سودمند) نمی‌کند.

والله حق را به سخن‌های خود ثابت می‌کند، هر چند مجرمان نپسندند. [یونس: ۷۹-۸۲].

و آیه های سوره طه:

﴿قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ﴾ ٥٥ ﴿قَالَ بَلْ أَلْقُوا﴾
﴿إِذَا جِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ﴾ ٦٦ ﴿فَأَوْجَسَ فِي﴾
﴿نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ﴾ ٦٧ ﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ﴾ ٦٨ ﴿وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ﴾
﴿تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ﴾ ٦٩

(جادوگران در آغاز مبارزه) گفتند: ای موسی! یا تو (اول عصایت را) می اندازی یا ما اولین کسی باشیم که می افکند؟
[موسی] گفت: «بلکه شما بیفکنید» پس ناگهان [با افکندن] ریسمانها و چوب دستهایشان به خاطر سحرشان [چنین] در نظرش آمد که آنها [مانند مارها] شتابان میخزند
پس موسی در دل خود احساس ترس کرد (ولی آن را پنهان داشت).

گفتیم: نترس، بدون شک تو غالب و برتری.
و آنچه را که در دست راست داری بیانداز، تا هر چه را ساخته اند ببلعد، در حقیقت آنچه را که ساخته اند، نیرنگ جادوگر است. و جادوگر هر جا برود پیروز نمی شود. [طه: ۶۵-۶۹].

و پس از خواندن در آب آنچه که ذکر شد سه جرعه از آن نوشیده و با بقیه غسل نماید، و بدین ترتیب مرض ان شاء الله برطرف می شود، و اشکال ندارد اگر نیاز به استعمال آن دو بار یا بیشتر از آن باشد تا زمانی که بیماری از بین برود.

این اذکار، معوذات و روش ها از بزرگترین اسباب و ابزارها برای دفع شر سحر و سایر بلاها می باشد، و همچنین بزرگترین سلاح برای

رفع سحر پس از وقوع آن است؛ برای کسی که آن را با اخلاص، ایمان، توکل و اعتماد بر الله متعال، و با دلی شاد بر آنچه دلالت می کند، بشکل مداوم بخواند.

این داشته ها مواردی از امور جلوگیری و علاج سحر بود که برای ما بیان آن میسر بود، و الله متعال توفیق دهنده است.

و در اینجا یک مسئله مهم مطرح می شود، و آن علاج جادو با عمل ساحران است که از طریق نزدیک شدن به جن توسط ذبح یا عبادت های دیگر صورت می گیرد؛ این جایز نیست؛ زیرا این عمل شیطان است؛ بلکه شرک بسا بزرگ شمرده می شود؛ چنانچه درمان آن با پرسیدن از فالبینان، عرفان و جادوگران و استفاده از گفته های آنان جایز نیست؛ به دلیل این که آنان مومنان نیستند، بلکه آنان دروغگویان فاسق هستند که ادعای علم غیب دارند و مردم را فریب می دهند، و همانطور که قبلاً در ابتدای این پیام توضیح داده شد که رسول الله صلی الله علیه وسلم از رفتن نزد آنان، پرسیدن و تصدیق آنان بر حذر داشته است، پس پرهیز از آن واجب است، و از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که از وی در مورد النشرة پرسیده شد، ایشان فرمودند: «**او کار شیطان است**»، امام احمد و ابو داود به اسناد جید روایت نموده اند.

و "النشرة" به معنی رفع سحر از کسی است که بر او سحر شده است. و مراد او -صلی الله علیه وسلم- از قول اش این است که: نشره ای (رفع سحر) که اهل جاهلیت از آن استفاده می کردند، و آن عبارت است از: درخواست از ساحر برای رفع سحر، یا رفع سحر با سحر دیگری از سوی ساحر دیگر.

و اما حل (بازکردن) کردن آن از طریق رقیه و معوذات شرعی و

داروهای حلال اشکالی ندارد چنانچه قبلاً گفته شد، و این موضوع را علامه ابن القیم و شیخ عبدالرحمن بن حسن (رحمهما الله) در فتح المجید، و علمای دیگر نیز بیان کرده اند.

و از الله متعال خواهانیم که مسلمانان را توفیق دهد تا از بدی در امان باشند، و دین شان را برایشان حفظ کند، و فهم و درک دین را به آنان عنایت فرماید، و از هر چیزی که با شریعت وی منافات دارد عافیت بخشد.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد، وعلی آله وصحبه.

prs^{۳۹۷۷} ۴,۰۰- ۲۰۲۶/۰۷/۰۴



رسالة الحرمين

پیام الحرمين

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبانهای مختلف

